

به بهانه نمایشگاه گزیده‌ای از فرآیند مجسمه‌سازی معاصر ایران

حمید سوری

بخش قابل توجهی از مجسمه‌سازی ایران در حال پوست انداختن است. گرچه برخی همچنان با پایبندی به ارزش‌های کهن و پاسداری از گرایش‌های تثبیت‌شده‌ی مجسمه‌سازی، با ساختن مجسمه، آموزش و جهت‌دهی سیاست‌های نهادهای رسمی، تلقی خویش از مجسمه‌سازی را تداوم می‌بخشند، عده‌ای نیز در سال‌های اخیر، جهت دور شدن از فضای مجسمه‌سازی سنتی و رها کردن درک نه‌چندان دقیق و غنی از مدرنیسم، تجربه‌ای متفاوت را از سر می‌گذارند. اینان، با باور به اجتناب ناپذیری گذار از آنچه پاسخ‌گوی نیاز امروز نیست و رسیدن به درکی معاصر از مجسمه، دوره‌ای حساس را از سر گذرانند و بعضی هنوز می‌گذارند. علی‌رغم تلاش‌های فراوان و حضور خلاقیت‌ها و استعداد‌های خیره‌کننده، فقدان تاریخ غنی مجسمه‌سازی در کشور، کمبود جدی نظریه‌پردازان مبرز و نقصان آموزش آکادمیک به روز در این فرایند بی‌تاثیر نبوده است. لذا علی‌رغم تنوع بسیار و در کنار آثار کم‌نقص، برای توصیف آثار زیادی از اینان در این دوره، می‌توان تا حدی مولفه‌های تکرار شونده‌ی تجربه‌گری صرف، کشف بیانگری‌های مواد، کیچ‌های بدون ارجاع و هدف، ایده‌پردازی‌های طراحی وار و تصویرسازی‌های سه‌بعدی، در مواردی با چاشنی‌هایی از عناصر بومی را برشمرد. اگرچه به خاطر مولفه‌های مذکور عده‌ای اتهام‌های سطحی‌نگری، جدی نبودن، مجسمه‌ساز نبودن و... را روا داشتند اما اینان در جهتی گام نهادند که اکنون آرام آرام شاهد ترمیم نقصان‌ها و رویش درکی از مجسمه هستیم که از محدودنگری‌ها فراتر رفته و غنای آینده را نوید می‌دهد.

اگرچه بخش مهمی از تحول در حال وقوع، بر دوش نسل جدید مجسمه‌سازان است اما این نمایشگاه به خوبی نشان می‌دهد که نمی‌توان همه‌ی این تغییر را صرفاً امری نسلی تلقی کرد. گذار از فرم‌گرایی محض و از ایده‌پردازی‌های طراحی وار و رسیدن به درهم‌تنیدگی بلوغ‌یافته‌ی ایده، تکنیک، مواد و نحوه ارائه را می‌توان تشخیص داد. تنوع تم‌ها نیز از دغدغه‌های شخصی تا دلمشغولی‌های اجتماعی (داخلی و منطقه‌ای)، از تجربه‌های زیسته تا گزاره‌های ذهنی و جهانی را در بر می‌گیرد. به عبارتی، دایره‌واژگان مجسمه‌سازی ایران، هم از حیث تکنیک و مواد، هم از منظر موضوع، گسترده‌تر شده و زبانی بیانگرتر و نافذتر پیدا کرده است.